



ویژه نامه تابستان ۸۵ گرامیداشت ۱۳ رجب و حماسه لبنان  
 سال سوم شماره ۱۰ و ۹ تابستان ۱۳۸۵

علم به روشنی



در این ویژه نامه میخوانید

- ۳..... سلام اول
- ۴..... مظهر رسم شریف ؟
- ۶..... نصر الله کیست
- ۸..... نصر الله و حزب الله
- ۱۳..... آنکه در بی همتایش (۱۳ رجب)
- ۱۵..... جنگ لبنان
- ۱۵..... شرم الشيخ
- ۱۶..... بادرش تبلیغات

Tabalwor@yahoo.com

## رجب الحرام

**نشریه کلیک**  
 ❏ نشریه ای کاملاً مستقل و آزاد می باشد  
 ❏ از تمام محققین و پژوهشگران و صاحبان قلم  
 دعوت به همکاری می نماید و از مقالات ارسال  
 استقبال می کند.  
 ❏ حق ویرایش مطالب ارسال برای نشریه محفوظ  
 است.  
 ❏ مطالب انتشار یافته حتماً به مزاحه دیدگاه نشریه  
 نمی باشد.  
 ❏ مطالب ارسال بازرگانه نمی شود.



صاحب امتیاز: انجمن فرهنگی تیلور اندیشه

مدیر مسئول: سید سلیمان حسینی

Click\_manager@parsimail.com  
 ssulaimanhossainy@gmail.com

سردبیر: موسوی

هیئت تحریریه:

سید ابراهیم مرتضوی ، ظفر علی علیزاده، سید محمد موسوی ،

اسدالله جعفری، خانم فاطمه موسوی

گرافیک و صفحه آرایی: حسینی

تایپ و حرفه چینی: اسحاق علیزاده ، خانم موسوی

همکاران این ویژه نامه

اسد الله جعفری ، چمن علی توسلی

Web Site: [www.tabalwor.4t.com](http://www.tabalwor.4t.com)

E\_mail: [tabalwor@yahoo.com](mailto:tabalwor@yahoo.com)

دفتر مرکزی مشهد: گلشهر - سیمتری تجاری، پ ۳، پ ۲۲۰، تلفن

۲۵۹۲۸۲۷ سید سلیمان حسینی

هرات: شهک المهدی (جبرئیل) بعد از بل خیابان سوم (موسسه فنون)

نماینده انجمن فرهنگی تیلور اندیشه (فصلنامه کلیک)

۰۷۹۹۷۴۳۱۴۴ حسینی - کابل - ۰۷۰۰۷۰۶۷۵ - علیزاده - هرات

۰۷۹۹۳۳۸۶۷۸ - مروج - کابل



امیر مستوفی

بار هم باز آفرینی تهاجمی از سر دمنار تروریستان بزرگ قرن  
زمینه ساز بحرایی دیگر در خاور میانه شد و این هم از خود کامکی  
استعمار گر کهن و توکر یلوفایش نشأت گرفت بطوریکه  
UN نیز همچون حماری که افسارش در دست قدرتمندیست  
که عاجز از رفتارش میکند و مقاومتش را در برابر انکار درهم  
میشکند ناچار در پی اوامزش می رود بیون آنکه خود بخواهد.

و منادی احیای حقوق بشر خود غاصب این حقوق میشود و برای چندمین بار چهره ی  
گریه الواقعش را بر منظر چشم ساکنان این کره خاکی مینمایاند تا بلکه غافلان  
خسینیه بیدار شوند و بیاد بیاورند اصالت این درنده خوی بد طبیعت را آنکه بر کودک

بن گناه ترحم نمیکند و خانه های بن پناهان را در هم فرو میریزد به بهانه ای واهی  
ولی افسوس که این مرده دلان بیدارشان هرگز به وقوع نخواهد پیوست که اگر هم پیوندد دیر  
خواهد بود آیا دیر بازیست که جنگهای صده ۱۲ به پایان رسیده و یا به نسیان سپرده شده  
همانیکه صلاح الدین ایوبی بر دشمنان چیره میشد و دروازه های اتانس بر اسلام گشوده پس این  
امت اسلامی را چه شده که زبونی به نام اسرائیل بر بلادشان هجوم می آورد ولی اینان ایماند  
سخ تشنگان فقط نظاره گر معرکه اند؟

بدان که به حق کورند و اینان زمانی بیدار میشوند که کار از کار گذشته باشد و در دست آنان بر  
اسارت باشند و اصالت خویش را بدانها بفروشد و جز خواری دنیا چیزی نماند و مطالب  
اوامر آن پست اندیشان متغور باشند!

چون میتوان بر گفته های این بذکردار اعتماد کرد که خود را ازمنان آور دموکراسی میدانند ای  
مسلمانان بیدار شوید و دست یاری به سوی حزب الله دراز کنید که بر وعده های گفتار پیر  
نمیتوان اطمینان کرد و یا ریسمان بوسینه این دد فقط میتوان در متجالب فریب غرق شد  
فرداست که ناکه بر این اعتماد خود اشک شرمساری فروریزی ولیکن آنگاه دیگر سودی  
نخواهد کرد.

بر چه دلخوش کرده ای! بر فریب آن فریبکاران خون آشام که آرام آرام خونت را می مکند  
و دارای ات را به خطا می برند نمیکویم درد دلم را گوش فرا ده بلکه میگویم معقولانه بیاندیش  
تسلیم در پرتو اندیشه ات بتوانی به حقیقت بررسی البته نه با قیاساتی که مواد خامش مفکورات  
مانند اسفان آورده بی خردان فریب خورده باشد.

مدیر مسئول

Http://www.Tabatwor.4t.com





### مظهر رسم شریف

Jafan1354@walla.com

اسد الله جمعی

چند روزیست که لبنان از هوا

و زمین آتش می بارد فقط صدای مهیب انفجارهاست که گوشها را می آزرده و خون و اشک و آه و ناله و دود و آوارگی و ویرانی و قتل و کشتار را در هم می پیچد ، جنایت ، سبیت و درنده خویی و سنگ دلی

در حد نهایت رسیده اما انگار نه انگار که هیچ اتفاقی در این کوره ی خاکی رخ نداده و جهان و جهانیان به این همه وحشیگری و جنایات عربان و غیرانسانی ناباورانه چشم پوشیده و گوشها را پنبه نموده و کام تا لام حرف نمی زنند . البته به همان حدت و شدت که آتش بازی رژیم غاصب و اشغالگر صلیب صهیون به مردم بی گناه و مظلوم لبنان و فلسطین ادامه دارد حماسه و پایداری و دلیری و قهرمندی ، غیرت و جوانمردی و گذشت و ایثار و جان نثاری و صداقت و همدلی رشادت و مقاومت هزاران بار بیشتر از حدت و شدت آتش بازی رژیم جعلی و رو به زوال کفر و نفاق اسرائیل در جنوب لبنان و فلسطین غصب شده و در وجه وجه جغرافیایی بی کرانه دل ها و قاره های نابینا و پریچ و خم روح مردم لبنان و فلسطین و انسانهای آزاده موج می زند و عقل و هوش از سر می برد .

آری این روزها جهان شاهد دو رخداد مهم هستند ، از یک طرف گردنکشی و دامنشی اشغالگران را مشاهده می کنند و اخبارهای غیر قابل باور می شنوند ، و از درجه جمبه های جادویی تصاویر دلخراشی از کشتار بی رحمانه هزاران زن و کودک و پیر و جوان ، و فرو ریختن خانه های مردم را می بینند که بدست اسرائیل و آمریکا و انگلیس بر مردم عزیز و شریف و مظلوم و بی دفاع لبنان و فلسطین روا داشته می شود .

و از طرف دیگر شاهد مقاومت جانانه ، دریادلی بی مانند ، جان فدای مثال زدنی و همبستگی حیرت آور ملی و مذهبی مردم لبنان با مجاهدان جان بر کف حزب الله هستند ، از طرف دیگر اگر چه وقتی جهانیان دکمه های جمبه جادویی خانه اش را می فشارند با تصاویر ناسف بار و غم آفرین از بیکرهای قطعه قطعه شده مردم مظلوم لبنان و خانه ها ، و





هستی آنان را که در حال فرو ریختن و در کام آتش است، می بینند و این تصاویر هر انسانی را که قنطری انسانی خود را با هوا و هوس آلوده نکرده و هنوز دل در قفسه سینه آنان می طپد آتش می زند - و بی اختیار آتش از چشم جاری می شود .

اما در دنیای پیشرفته و سایر ارتباطات جمعی امروز، هیچ حقیقتی پشت پرده نمی ماند، درست است که شبکه های خبری جهانی تحت سلطه استکبار جهانی آمریکا و انگلیس و صلیب صهیون بین الملل و یهودیان آیار تایت و موش منش سکه زر پرست است، اما علی رغم خواست و اراده کفر جهانی و صلیب صهیون بین الملل، انسانهایی حق خواه و آزاده هست که مثل آسیه همسر فرعون در خانه فرعون ها باشد، اما دل در گروه حق و عدالت و آزادی و آزادی داشته باشند و تصاویر و گزارش هایی فریبخیز و روح پرور و غرور آفرین از مقاومت و پایداری به حق مردم فلسطین و لبنان و همدلی و همبستگی آزادگان جهان را با خلق و ییکارگران راه عدالت و آزادی و رهبر مقاومت، آزاده مردی عصر سنگ دلی و شکم و زیر شکم پرستی و ناهردی ها، را بختی کنند .

وقتی دکمه تلویزیون و یا کلید اینترنت را می زنی تصاویری از مجاهدان مردان حزب الله و عکس زیبا و خندان رهبر مقاومت، سید حسن نصر الله، چشم هارا می نوازد و دل ها را سیور می بخشد و گلبرگ چهره هارامهمان آتش شوق و ظفر می کند . حقیقتا که صحنه های جهاد مجاهد مردان و زنان لبنان و چهره خندان بشاش، غرور آفرین، غیرت بار و همت خیز، سید زکریا گولو و روحانی پاک، مجاهد بزرگ، رهبر محبوب سید حسن نصر الله هم تماشای است و هم افتخار آفرین و هم روایت گر همبستگی روح والا و ارزشهای متعالی انسانی .

آیا اینکه در گوشه گوشه جهان، تظاهرات هاد حمایت از مقاومت بحق مردم قهرمان لبنان برپا می شود و هزاران هزار انسان با رنگ و نژادهای مختلف و عقاید و ادیان بظواهر ضد هم در کنار هم و شانه به شانه هم در خیابانها، گام برمی دارند و در میدان هابری می ایستند و یک صد و همدل، خفایت مجاهدان راه حق را فریاد می کنند و در همان حال که سران کفر و استکبار مستانه قهقهه می زنند و بیاله های شراب را خیره سرتاه سر می کشند، میلیون میلیون آزاده جهان عکس

Http://www.Tabatwor.4t.com





زیبای رهبر مقلومت را روی سرحمل می کنتلومی بوستد. چیزی غیر از همستگی روح والای انسانی و ارزشهای مشترک بشری است ؟

من اکنون که در کتابخانه علامه ورسی تک و تنها روی جعبه ی جادوی کتابخانه نشسته ام ساعت ۲/۵ شب ۱۴ مرداد ۱۳۸۵ است و بیرون از پنجره گل های باغچه گیسو افشاندند و سینه پر خسار ماه می ماسدودست در قندج دارتود کربار برب بر لب -

نغمه های ناله های زار ما می رود تا پایه تخت پار ما  
عقل و دل می گوید بیرون یابند رفت دررقصی به سوی خدای گل هاشرکت نمود و شراب ظهور ظهور  
حضور نوشیدودست درخم زلف سوسن گره زدوسر روی شانه شقایق نهادومستانه پای کوبید و چرخ و چرخ زنان  
چهار تکسیر ماسوی زد.

Tabalwor@yahoo.com  
Tabalwor@yahoo.com

گویندیمان و بر چهره ملکوتی  
بندگان خاندانماتاکی  
والمومنین عزت و قدرت از  
خواهان است .  
جادویه صورت زیباوقامت  
علی دوران و عباس قرین و  
موسی ی نزل و قراد و  
رایم بینم از ذوق و شوق  
لبریزی شوم و جامه برتن



اما احساس و عاطفه و وظیفه می  
و خدای نصرالله روی دست  
و بخوان العزت له ورسوله  
آن خدا ورسول و مومنین وحق  
من وقتی از چشم این جمعه  
رسا و شکوهمند حسین زمان و  
منحمد تاریخ و مسیح دل ها و  
توتم قبله سید حسن نصرالله  
و غرور و غیرت و مردانگی

می درم و مشت بر دیوارهای کوبم و دیوانه وار از جابلنمی شوم و فریادمی زخم ای تبر پیشه های لبنان غاره حماسه،  
نصر الله دست حق بارت باد و ناخودآگاه زمزمه می کنم -





اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس يدخلون في دين الله افواجا فسيح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا .

### سید حسن نصر الله کیست ؟

راستی این سید حسن نصرالله کیست؟ که امروز مسیح دل ها شده و چون خورشید می درخشد و پرتو نگاهش خواب خفتان را آتشفته کرده و صنادید کفر و استکبار را به مبارزه می طلبد و کلام پر صلابت و طنین صدای علی گونه اش لژه بر اندام مریحبا های خیر قرن بیستم می اندازد .

۳۱ آگوست ۱۹۶۰ م: خورشید آرام آرام از بلکان افق بالا می رفت و چهره در چشمه زعفران می تست و گیسو می فشاند و دامن کشان می خیمید که در محله (( الکارتینا )) در شرق بیروت، پایه تخت (( لبنان در زنجیر)) آن روز بود دل ها، امروز، کودکی از دامان ما در شجاع و مهریان زاده شد و عبدالکریم نصرالله پدر گردید .

سید عبدالکریم نصرالله نوزاد تازه منعمان را روی دست گرفته می بوید و می بوسید و از عطر وجودش مست و خمار بود و بر سم قبیله و از سر عصیت عربی ترانه می خواند و دست می افشاند و پای می کوبید و نعره های مستانه می زد و آواک را فلک نمی گفت . مادر جوان و زیبا، نیز چون ماده شیران غره بود و غزال و اردر کوهستان خیم خیال لابه لای گل های وحشی و درختان خود رو و علف زاران پر لاله و گل و پیونه و یاسمن پای برگزیده غم می کوبید و بر قارقله ی شادی علم فتح و طغری افاتت و خرمن گیسوان سبزه و بلندش را درستان لطیف نسیم، شانه می کوبید و جزرومند، کوبه کوبه، آشپز و لربزیه های دامن گستر شانه هایش فرومی ریخت و خورشید آینه گردان چشمان آهو پوش و ابزوان رنجبری دختر ماه سیماب و وقامت عرب بود .

عرب را رسم بر آن است وقتی کودکی در دامان دختر کی از دختران، طایفه حمل شود و کوبید با شد طایفه احساس غرور و جاویدانی می کنند و برای نامگذاری او جشن برپایی کنند و آبش سنگ تلم می گذارند .

امالین کودک در زمان و مکان و خانواده زاده شد که نه طایفه جمعا حضور داشتند ( چون پدر از اهالی بازوریه در جنوب لبنان بود و اکنون مهاجر و غریب ) نه عصر عصر جهالت و نه خانواده، خانواده عرب باده نشین و ملخ خور و تتر چران است.



Http://www.Tabalwor.4t.com





دین اسلام عرب دخترکش و مرد پرست و بت تراش دیروز را استحاله ماهیت کرده و به لوهویت انسانی والهی بخشیده و از بیابان گردی و شتر چرانی به تمدن و تعقل رسانده است و سروری فرهنگی و جایگاه اجتماعی عطا کرده و ارزش خانواده را بر اساس اخلاق عالی و عاطفه انسانی بنا نهاد و رسم جاهلیت دختر کسی و مرد پرستی را در هم شکست .

اگرچه عبدالکریم از خانواده های متمول و دلرای نام و نشان نبود که بانولد کودکش طایفه هیامو راه اندازد . لذا مراسم

وارد در یک فضای آرام  
برپا شد و وقتی  
رادراغوش گرفت و  
گلستان جمالش به  
درخت و سیاه ، بینی  
غنچه گون و گونه  
و لرویشانی فراخ دامن  
و شمردن شمردن ادله داد

حسن نصر الله در تحفه برای فراموشی علوم جوزوی در محف  
نلامه جوان ، مجتهد تواندیش و دانای بی مانند شهید محمد باقر  
صدر ، زانوی ادب بر زمین زد و دل درگرو او نهاد و عقل را عقل  
زیانت زد و سر و سلوک آغازید و شب ها آتش عشق بر گرفته  
خواب می زد و حمام روح می گرفت و ترائه وصال می خواند و روز  
ها دیو نفس را قفس بند روزه می کرد و فلغ بال در گلستان برهن و  
عربین و ایران به ترحم می پرداخت .

نامگذاری مهمن تازه  
و سشارلز عاطفه  
عبدالکریم کودکش  
پروانگان نگاهش بر  
پروازدرآمدچشمان  
موزون و کشیده ، لبنان  
های لوه لوه

و بی کرانه کودکش او را میخکوب و متعجب کرد آرام

سبحان الله احسن الخالقین احسن الخالقین .

به همین اعتبار پدر پسر را حسن نامید ولی نمی دانست فرداوقدها این کودک، علاوه بر آیت حسن خدا مظهر از اسمای حسنی حتی، مظهر رسم شریف (الطیفة) و ((قدیر)) و تفسیر گویا و مضمون آیات قرآن کریم : ((اشداء علی الکفار و رحماء بینهم)) می شود و استخوان گوی امریکاو خار چشم صلیب صهیون بین المال می گردد .  
او شاید هرگز در مخیله اش خطور نمی کرد که همین کودک که الان روی دستان من است و چون شاخه گلی از این دست به آن دست می کنم، روزی خود صحنه گردان بزرگترین نمایش نامه تاریخ بشر گردد و عکس شاد و خندانیش بر قارذستان انسان های آزاده مهمن ، میلیون میلیون تماشاگر تلویزیون شود و سینه ها را قاب عکس او کنند .

Tabalwor@yahoo.com







آری پدر پسر را حسن نامید به امید که خلق او مثل خلق اش حسن اندر حسن شود. اما نمی دانست این حسن بیچند  
در فتدای و زبان بسته روزی تمارعمرنگین سران کفر و اتحاد و نفاق را درهم می پیچوزبان درکام خفته اش چون  
نورالفقار علی بر قلب مرحب های خیبر و عمروین غبدووهای پیمان نامقدس احزاب و خندق ، خشم آگین و رعد آسا  
فرود می آید و در سال ۲۰۰۶ در سن ۴۶ سالگی ((ردای محمد)) را بر تن می کند ((نیر ابراهیم)) رابا(اعضای موسی))  
دسته کندو((نعلمین عیسی مسیح)) را در پایور((ذکذل علی)) نشیند تا قلب سیاه مثلث زور و زروتزویر بتازد و((الم نضال))  
پیش آید و عنان تکسوار حماسه را بگیرد و بگوید:

من سه فرزند و شوهر و برادر و عمو و پدر را در راه آزادی و کرامت انسانی شهید دادم و این چهارمین فرزندم  
سرباز کوچک تو هست و آماده شهادت در راه هدف و آرمان و خدای تو..

و ((ام ابراهیم بارود)) در ((فلسطین قید زنجیر)) در برابر دوربین خبرنگاران بیخبر و غرور دستانش را بالا برده فریاد کند:  
درود بر نصر الله ما دستان نصر الله را می بوسیم.

آری پدر آرینده خیر نداشت که کودک دست و پایسته اش روزی در سن ۴۶ سالگی دستان خون آلود قلاده بندان قرین  
دروغ و وحشت را از تاناه قطع کند و دست شلاق خوردگان تاریخ را گرفته بر سر بر عزت و کرامت نشانند.  
حسن نصرالله کم کم بزرگ و بزرگتر و روز بروز بر جمال و کمالش افزوده می شد و راهی مکتبخانه گردید تا قرآن  
بیاموزد.

خواندن و نوشتن را تا مقطع دبیرستان در محله (الکارتینا) در شرق بیروت فرا گرفت و تا به سن ۱۵ رسید که جنگ  
ویرانگر اسرائیل از یک طرف و کشش مکش های داخلی از طرف دیگر خانواده نصرالله را مجبور به بازگشت به زادگاه  
اصلی عبدالکریم ، در بازوریه واقع در جنوب لبنان کرد و سید حسن در آنجا دوره دبیرستان را به پایان رساند و عشق  
به حوزه و روحانیت او را با سید محمد غروی در همان جنوب آشنا کرد و سید زاهد با کیاست ایمان و نور تقوا و علم  
آینده حسن را از پیشانی بی کرانه و ایروان بر پشت و بهم پیوسته اش خوانند و او را راهی نجف، مرکز علم و دانشگاه  
ادم سازی و شهر علی کرد.



در نجف با شهیدان

حسن نصر الله در نجف برای فراگیری علوم جوزوی در محضر علامه جوان، مجتهد نواندیش و دانای بی مانند شهید محمد باقر صدر، زانوی ادب بر زمین زد و دل درگیر و او نهاد و عقل را غفال ریاضت زد و سیر و سلوک آغزید و شب ها آتش عشق بر کرده خواب می زد و حمام روح می گرفت و تیرانه وصال می خولد و روز ها دیو نفس را قفس بند روزه می کرد و قاغ بال در گلستان برهان و عرفان و قرآن به تفریح می پرداخت.

شهید صدر هم مثل سید محمد غروی با نور

علم و پارسایی کتاب پیشانیش را رندانه خواند

و دانست که با او چه کند اما او رسالت

بزرگتر و قوری تر از تربیت حسن

داشت لذا سید حسن جولان را به سید

عباس موسوی سپرد تا او را برای اکت اسلام



تربیت کند.

شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله، یار وفادار شهید عبدالملی فزاری دبیر کل حزب وحدت

اسلامی افغانستان، حسن نصر الله را برای آینده قرآن و دین نیکوتر تربیت کرد.

و ۱۹۷۹ در سن ۱۹ سالگی عراقی را ترک نموده به لبنان بازگشت و یک سال بعد بعنوان عضو دفتر سیاسی و مسئول

جنبش اهل در منطقه (( البقاع )) انتخاب شد اما بر اثر کش مکش جناحی در داخل جنبش اهل و اختلاف نظر با

رهبران اهل بیرامون مقابله با اسرائیل هنگام تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و اشغال بخش از خاک لبنان، از این

جنبش کناره گرفت.



## نصرالله و حزب الله

نصرالله بعد از جدایی از اهل به جنبش حزب الله پیوست و در این جنبش بعنوان عضو ارشد حزب - مسئولیت های مهم فرهنگی، سیاسی، نظامی و مدیریتی را بر عهده گرفت از جمله ۱۹۸۹ رئیس اجرایی حزب الله شدوان مسئولیت را با صداقت و امانت به پایان رساند.

سال ۱۹۸۹ دوباره هوی حوزه و مدرسه را سر پیرواند و این بار برای ادامه تحصیل در غیاب سید صدر راهی حوزه قم شد اما رهبران حزب الله قانع کرد که قم هزاران یل خفته در خویش دارد و جنوب لبنان شیر ترزه چون او را لازم دارد. بنابراین قم را با همه کشش و جاذبه ویلان خفته در پیشه اش ترک گفت و به لبنان برگشت و در کنار شهید عباس موسوی دبیر کل حزب الله بعنوان یک سرباز لادای وظیفه کرد و بعد از آن که سید عباس موسوی عزیز خونین بال



مراج وصال کرد - سید حسن نصر الله بعنوان دبیر کل، جایزین شهید عباس موسوی شد و در سال ۱۹۹۷ فرزند عزیزش را تقدیم آزادی و کرامت انسانی کرد و علاوه بر دبیر کل مقام والا و زوال ناپذیر ابو شهید را نیز کسب کرد.

سید حسن نصرالله بعنوان دبیر کل حزب الله چندین بار با اسرائیل رو در رو جنگید و سرانجام اشغالگران را از جنوب لبنان

بیرون راند و مزدوران داخلی اسرائیل مثل نمبر جمجم و میشل عون را منکوب و خلخه نشین کرد و نقشه های شیطانی و سازش کارانه آمریکا و انگلس و فرانسه را در لبنان نقش بر آب کرد.

Http://www.Tabafwor.4t.com



نصر الله علاوه بر وحدت و انسجام و همدلی که در داخل گروه های حزب الله ایجاد کرد و حزب الله را یک پارچه و نفوذ ناپذیر ساخت - جنبش اهل را نیز به وحدت دعوت نمود و با کوشش های فراوان اهل را نیز وا داشت که با حزب الله همگام و همراه شود و در داخل خود نیز متحد و همدل باشد .

سید نصر الله با ابتکار مبتنی ملی را به اعضاء سران لبنان رساند، مجدداً وحدت به غارت رفته را به لبنان بازگرداند و امروز خود بعنوان یکی از رهبران ملت لبنان در جهان حرف اول را می زند و در همین جنگ نابرابر که تمام کفر با تمام توان نظامی و اطلاعاتی در برابر حزب الله و اسلام پیمان نامقدس (احزاب) بسته اند سید نصر الله با طرح مسئله مذاکره با حزب الله را از طریق دولت لبنان نشان داد که او یک رهبر به تمام معنا ملی و مذهبی است و می داند که چگونه از دام توطئه استکبار جهانی جان سلامت برند.

به امید خدا جهان و جهانیان خواهند دید که ابن سید عزیزه فاطمه نور چشم رسول الله و ذوالفقار علی، طومار عمر ننگین



کفر جهانی را در هم خواهد پیچید انشاءالله.

اکنون وقتی آن رسیده گوش بسپاریم به خطابه آنشین او خطاب به جهان اسلام ، مردم لبنان و اشغالگران

Tabalwor@yahoo.com

Tabalwor@yahoo.com





# آیینک در پی همتانیش پی همتا بود

سید سلیمان حسینی

پس بندگان خدا! حذر کنید از اینکه ایلیس شمارا دچار مرض خود کند و ندا سردهد و شما را برانگیزاند و سواره و پیاده خود را بر سرتان فرود آورد. به حاتم قسم! که تیر تهدید در جمله بی گمان نهاده. و گمان را با تمام نیرو کشیده و از مکانی نزدیک شمارا مورد هدف قرار داده. که گفت: «بروردگار من! حال که مرا گمراه نمودی، زشتی و گناه را نزد آنان می آریم. تا همه را گمراه سازم». نسبت به امرناشتاخته بی دوری اظهار کرده و به خطاگمانی زد. فرزندانسان تحویت و برادران عصیت و سواران میدان تکبر و جهالت. سخن وی شنیدند و آن را تصدیق نمودند. تا که سرکش شماستاد او گردید و طمع وی در شمار و پید و هر چه حقی بود. گشت پدید. حیطه بی نفوذ و اقتدار او بر شما شدت یافت و سپاهیان آرام بر شما ناخت پس متکوب و دلبندان نمودند و به سلحشان کشاندند و به زخم های سخت شمارا پایمال کردند. انگار نیزه های بر چشمانتان فرو برده. گلوهاتان بریده. بینی هاتان له نموده. تا که قصد کشتن شمارا کردند و سر آن شدند تا با مهار انداختن بر شما به آتش جهنم راهی تان کنند. پس ایلیس بر آسیب وارد کردن به دین شما و آتش افروختن دیانتان زهر دارتر می نماید. از کسانی که به شیوه های آنان برآمدید و برای مقابله ایشان حرف آرایی کرده اید. پس بر او خشم بگیرید و غلبه او مجدانه به خدا سوگند او بر ارضی «مایه وجودی» شما فخر کرد و منزلت شما را پایین آورد و بر تیره و تبارتان برآمد و سوارانش را بر شما روانه کرد و سیر هاتان مسدود ساخت. آن طور که هر جا به شکار شما بر می خیزد و انگشتانتان می اندازد به نیزنگ از او خلاصی نمی یابید و به هیچ چاره ای دفع او کردن نمی توانید در معرض ذلت قرار گرفته اید و به تنگنا دچارید و به آستانه مرگ درآمده اید و گرفتار بلا شده اید پس آتش غضب را که دلهای شما پنهان است خاموش کنید و گینه های جاهلیت را دور بریزید که این حمیت در فرد مسلمان از آسیبهای شیطان و نعرتهای و نیا سازی ها و دمه های و سر به انگیز اوست بی گمان. فلاح فردی بی سرهاتان نهید و برتری حویلی را زیر پا افکنید و حالت تکبر از گردنهای بگرد. و تواضع را بین خود و دشمنان ایلیس و ایلیسان و سبله حفاظتی قرار دهید. زیرا که برای شیطان در تمام امتهای سپاهیان و یاران و پیاده گان و سوار نیست. چون «قابل» نباشد که نسبت به برادر خود تکبر کرد و خداوند به او برتری خاصی نداده بود. او به برادر خود حسد ورزید و به خود بزرگ بینی دچار گردید. حمیت.

Http://www.Tabatwor.4t.com





آتش خشم در دل وی افروخت و شیطان ، باد کبر در دماغ وی برورید. و خدا به عنوان کبیر او را دچار پشیمانی کرد و گناهان فانیان را تا روز رستاخیز در عهده او آورد .

آگاه باشید که در سرکشی از اندازه فراتر رفتید و آشکارا به مقابله با خدا ایستادید و برابر مؤمنان قدم علم کردید و اینگونه در زمین فساد انگیزید. خدا را ، خدا را ، بر حذر باشید از کبر تمیزدن از روی حمیت و فخر فروشی های جاهلیت ، حمیت زادگاه کینه است و جنای دیندنیهای شیطان است و شیطان امتهای گذشته و مردم

در سایه های نادانی او محض شدند، حالی که در راندن و او امری را بی گرفت

بکدل می نمودند همین سوال بود و سنگینی فرود . هشیار

فرمانبری سروران و بزرگانان که خود را فراتر نمایانند و امر ناپسند را بر نعمت خدا را در مورد خود اقرار نکردند تا با

برخیزند ایشان بنانهای عصیتند و بر با دارندگان ارکان فتنه و شمشیرهای فخر فروشی جاهلیت . پس تقوی خدا را داشته باشید و با نعمتهایی که به شما عطا نموده، به سبز برنمایید و قهلی از را که نزد شماست، حسادت موززید و از مدعیان «بدذات» تبعیت نکنید، همانا که آب ناصاف گوهرشان را

سعیانه نوشیدند ، و در به حفظ انداختن سلامت روح خود یا مرتبهای ایشان کوشیدند و در حق خود باطل ایشان را داخلی کردند . و ایشان بنیان فسقند و حق گریزی و همراهم عصیان و بی قیدی . ایلیس ایشان را بازکش گمراه ساخت و بدیشان سیاهی برآورد . و برای سلطه بر مردم به کار انداخت و زبان آنان را سخنگوی خود داشت . عقلهاتان را دزدانه محک می زند تا سوء استفاده برد، و در دیده هاتان وارد می شود و به گوشهاتان می دهد . او شما را نشانگان تیر خود قرار داد . و زیر پایتان راند و در جنگ خود نهاد . پس از سختی ها و عذاب و شدت عملی که خداوند نسبت به امتهای مستکبر قبل از شما به خرج داد درس بگیرید و عبرت یابید از خاکی که چهره های ایشان بر آن افتاده و پهلوهاشان



کشته اند . و در دامگاه گمراهیهای او فرو

گشته اند . و در دامگاه گمراهیهای او فرو

گشته اند . و در دامگاه گمراهیهای او فرو

گشته اند . و در دامگاه گمراهیهای او فرو

گشته اند . و در دامگاه گمراهیهای او فرو

Tabalwor@yahoo.com

Tabalwor@yahoo.com





روی آن قرار گرفته و به خدا پناه برید از پرورده شدن نخرت ا همان طور که در مصایب روزگار به آن روی می آورید. اگر خداوند قرار بر سود امکان گیر و نخرت به زندگان خود دهد، به طور حتم این امتیاز را در اختیار پیامبران و اولیاء گزیده خود می نهاد. اما خداوند نخرت و بزرگ بینی را از ایشان نپسندید و خشنودی خود را در تواضع آنان قرارداد. پس پیامبران، گونه بر زمین نهادند و رخسار بر خاک مالیدند و در مقابل مؤمنان تواضع نمودند. و همه ایشان افرادی مستضعف بودند خدا آنان را با گرسنگی به آزمودنشان پرداخت و دچار سختی شان داشت و با ترسها به پس دادن امتحان شان وا داشت و با در انداختنشان به مشکلات پانگشان ساخت.

خطبه ۱۱۴ قاصعه



حسین علی کربلایی توسلی

## جنگ لبنان

Http://www.Tabatwor.4t.com

جنگ لبنان همچو تاریخی بود	جنگ حزب الله تاریخی بود
جنگ حزب الله همه معجزه است	جنگ حزب الله تاریخی بود
جنگ حزب الله و جنگ با صفاست	جنگ حزب الله با دشمن خداست
و هربش نصر الله هم باشد شجاع	پاسزدهی میکند از دین دفاع
ثبت نصر الله بین بچه علی	چون به زانو آمده اسرائیلی

## شرم الشیخ

دارد جنوب شبیه کربلا می شود  
مدینه تارانه، فرات است

کوفه است و  
جنوب، نینوا!





تو رفته ای از شریعه آب بیابوری  
 در برابر چشم این همه ماهواره جاسوسی  
 اوضاع روزگار بد نیست  
 از سران عرب  
 یکی با شمشیری از طلا پر کمر  
 دارد ریشش را خصاب می کند و  
 یکی همیشه در مواقع حساس  
 به سجده می رود شیخ فلان  
 تا دشمنش را عوض کند  
 شیخ الرشید تا سال بربند از برابر عکسش  
 شاه کوچک نا بگردد از تعطیلات  
 آمریکایی دیر خواهد شد  
 نماد ارتش عربی پلوس مصر است  
 که همچنان حمله می کند به الازهر!  
 جان بولتون دارد پارس می کند در سازمان ملل!  
 تنها تو مانده ای نصرالله!  
 پس شمشیر را پس بگیر و  
 اسب را پس بگیر و  
 شریعه را پس بگیر و  
 غیرت عربی را پس بگیر  
 که پادشاهان عرب  
 تنهه اسبان مردماند

فیات، عیای توست!  
 برای این همه زخمی  
 برای این همه بی کفن  
 تنها ودای مهربان تو مانده است!  
 وگرنه این سران  
 دشمنانهاشان را  
 پرچم صلح کردند و فروختند  
 شاید اگر نبود نفت می جنگیدند  
 دیروز، ذوالفقار را  
 با قطنامه ها  
 تاق زدند  
 امروز منتظرند  
 که از قطنامه ها زمین و نان  
 فرشته و غلمان ببارد!  
 بارید!  
 و قطنامه همین بمبی ست  
 که دارد می بارد!  
 جنوب غرق خون است و  
 غزه آهوی زخمی  
 تو تنها مانده ای نصرالله!  
 در خیبری به نام جنوب  
 و هواپیماها دارند خندق می کنند و  
 کودکان زخمی تشنه اند

Tabalwor@yahoo.com

Tabalwor@yahoo.com

تبلیغات خود را به ما بسپارید در این انواع تیزر های تبلیغاتی  
 در انوران سی دی های نرم افزاری، طراحی کارتهای ویزیت  
 ، میکس و مونتاژ، ارائه انواع کلیپ های تبلیغاتی  
 To Be sure Our Propaganda influenced the people!  
 Introduce your services in Iran & Afghanistan for best office &  
 Companies: 0098-511-2592827 0093-709-743144  
 Http://www.gsco.4t.com تبلیغات را با ما تجربه کنید

